امام سجاد علیه السلام

علی بن حسین

علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب، معروف به امام سجاد و زین‌العابدین (۳۸- ۹۵ق)، چهارمین امام شیعیان. مدت امامت وی ۳۵ سال بوده است. در واقعه کربلا حاضر بود ولی به علت بیماری در جنگ شرکت نداشت. لشکر عمر بن سعد پس از شهادت امام حسین(ع) او را همراه اسیران کربلا به کوفه و شام بردند. خطبه امام سجاد(ع) در شام باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت شد.

مجموعه ادعیه و مناجات امام سجاد در کتاب صحیفه سجادیه گرد آمده است. رسالة الحقوق، رساله‌ای کوچک درباره تکالیف بندگان در برابر خدا و خلق خدا، اثری دیگر منسوب به اوست.

بنابر روایات شیعه، امام سجاد(ع) به دستور ولید بن عبد الملک با سمّ به شهادت رسید. مدفن وی در قبرستان بقیع کنار قبر امام حسن مجتبی، امام محمد باقر و امام جعفر صادق است.

نسب، لقب، کنیه

علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب، معروف به امام سجاد و امام زین‌العابدین، چهارمین امام شیعیان و فرزند امام حسین(ع) است.

نام و نسب مادر او، از مسائل اختلافی است و نام‌های متعددی برای او ذکر شده است؛ از جمله: شهربانو، شهربانویه، شاه زنان، جهانشاه، خوله، سلافه، غزاله، سلامه، حرار، مریم، فاطمه.

شیخ مفید نام مادر وی را شاه‌زنان دختر یزدگرد پسر شهریار پسر کسری معرفی می‌کند[۱] و صدوق نیز مادر ایشان را دختر یزدگرد پسر شهریار پادشاه ایران می‌داند که هنگام وضع حمل او از دنیا رفته است.[۲]

البته برخی از پژوهشگران نپذیرفته‌اند که مادر امام سجاد(ع) شهربانو دختر یزدگرد بوده است. از جمله سیدجعفر شهیدی با بیان ادله و قرائنی، پذیرش مادری با این اوصاف را برای امام سجاد(ع) قابل قبول نمی‌داند.[۳]

لقب‌ها و کنیه‌ها

امام سجاد(ع):

«پسرک من! بر بلا شکیبا باش و به حقوق دیگران تجاوز مکن و کسی را یاری مکن که زیان آن برای تو بیش از سود آن برای اوست.»

شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۶۰.

کنیه او ابوالحسن، ابوالحسین، ابومحمّد و ابوعبداللّه بوده است.[۴]

القابش زین العابدین، سیدالساجدین، سجاد، هاشمی، علوی، مدنی، قرشی، علی‌اکبر است.[۵] ذوالثَّفنات لقب دیگری است که به آن حضرت داده‌اند. چرا که ایشان بر اثر عبادت و نماز بسیار، جایگاه‌های سجده‌اش همانند زانوی شتر پینه بسته بود.[۶]

امام سجاد(ع) در زمان خویش به نام‌های «علی‌الخیر»، «علی‌الاصغر» و«علی‌العابد» شهرت داشت.[۷]

ولادت و شهادت

ولادت

بنا بر قول مشهور امام سجاد(ع) در سال ۳۸ق. متولد شده است که در این صورت بخشی از حیات امام علی(ع) و نیز دوران امامت امام حسن مجتبی(ع) و امام حسین(ع) را درک کرده و ناظر تلاش معاویه برای تحت فشار گذاشتن شیعیان در عراق و دیگر نقاط بوده است.

اما در برخی اخبار سن امام را کمتر از آنچه مشهور است، دانسته و تولد امام را در حدود سال ۴۸ گفته‌اند.[۸] گرچه این اخبار در منابع متعددی نقل گردیده، اما شواهدی وجود دارد که مانع از قبول آنهاست، مثلا اینکه مشهور مورخان و سیره نویسان تولد وی را در سال ۳۸ ذکر کرده‌اند که بر مبنای آن، سن امام در واقعه کربلا، ۲۳ سال دانسته شده است. از جمله محمد بن عمر واقدی، از راویان اخبار تاریخی اهل سنت، بعد از نقل این کلام از امام صادق(ع)که فرمود «علی بن الحسین(ع)در ۵۸ سالگی رحلت کرد، می‌نویسد: این گفتار بر آن دلالت دارد که امام سجاد(ع) در حالی که ۲۳ یا ۲۴ سال داشته در کنار پدرش در کربلا بوده است.[۹]

زهری نیز گفته است که علی بن الحسین در حالی که ۲۳ داشت، در کربلا کنار پدرش بود.[۱۰]

شهادت

در تاریخ دقیق شهادت امام سجاد(ع) اختلاف است، سال شهادت را ۹۴ [۱۱] یا ۹۵ [۱۲][۱۳] گفته‌اند. روز شهادت نیز در منابع، مختلف گزارش شده‌است، برخی شنبه[۱۴] ۱۲ محرم[۱۵] بعضی ۲۵ محرم[۱۶] گزارش کرده‌اند. گزارش‌های دیگر نیز از جمله ۱۸، ۱۹، و ۲۲ محرم در منابع دیده می‌شود.[۱۷]

نحوه شهادت با سمی بود که به دستور ولید بن عبد الملک به او خورانیده شد.[۱۸] او در قبرستان بقیع کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی(ع) به خاک سپرده شد.[۱۹]

امام سجاد(ع):

«حق زن این است که بدانی خدای -عزوجل- او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی است از خدا بر تو.»

شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۷۹.

امام سجاد(ع):

«حق فرزند تو اینست که بدانی او از توست و در نیک و بد این جهان پیوسته بتو. و تو بحکم ولایتی که بر او داری در آداب نیک آموختن و شناساندن خدا -عزوجل- و کمک کردن وی بر اطاعت خدا مسئول او هستی- پس در کار او همچون کسی باش که می‌داند در نیکوئی وی را پاداش، و در بدی او را کیفر می‌دهند.»

شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۸۱.

همسران و فرزندان

در منابع تاریخی تعداد فرزندان امام سجاد(ع) ۱۵ نفر ذکر شده که ۱۱نفر آنها پسر و ۴ نفر دختر بوده‌اند.[۲۰]

امامت

امامت امام سجاد(ع) با شهادت امام حسین(ع) در عاشورای سال ۶۱ه‍.ق. آغاز می‌شود و تا زمان شهادتش یعنی سال ۹۴ یا ۹۵ه‍.ق. ادامه می‌یابد.

دلایل امامت

بنابر روایاتی صریح در منابع شیعی، امام سجاد(ع) جانشین و وصی حسین بن علی(ع) است.[۲۲] در احادیث نقل شده از پیامبر(ص) در باره اسامی امامان شیعه ، نام آن حضرت در میان امامان آمده است.[۲۳] متکلمان شیعه مانند شیخ مفید، برتری علمی و عملی وی بر دیگران پس از پدرش را نخستین دلیل بر امامت وی دانسته‌اند.[۲۴]

امام سجاد(ع):

«حق کسی که به تو بدی کند اینست که بر او ببخشی. و اگر دانستی که بخشیدن او بد است، داد خود را از او بگیری. خدای -تبارک و تعالی- گوید بر کسی که بدو ستم رسیده باشد و دادخواهی کند گناهی نیست.»

شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۸۷.

همچنین بر طبق نصوص شیعه، وسائلی چون شمشیر و یا زره رسول الله(ص) می‌بایست نزد ائمه باشد که وجود اینها نزد امام سجاد(ع)،[۲۵] حتی در منابع اهل سنت به صراحت ذکر شده است.[۲۶]

حاکمان معاصر

 یزید بن معاویه (۶۱- ۶۴ق.)

 عبد الله بن زبیر (۶۱- ۷۳) که به صورت مستقل حاکم مکه بود.

 معاویة بن یزید (چند ماه از سال ۶۴).

 مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵).

 عبدالملک بن مروان (۶۵- ۸۶).

 ولید بن عبد الملک (۸۶- ۹۶).[۲۷]

واقعه کربلا و اسارت

امام سجاد(ع) در واقعه کربلا و در روزی که امام حسین(ع) و یارانش به شهادت رسیدند، به شدت بیمار بود به گونه‌ای که در مواردی که می‌خواستند او را به قتل برسانند، عده‌ای گفتند: او را همین بیماری که دارد کفایت می‌کند.[۲۸]

کوفه

پس از واقعه کربلا، اهل بیت امام حسین(ع) را به اسیری گرفتند و روانه کوفه و شام کردند. هنگام بردن اسیران از کربلا به کوفه، بر گردن امام سجاد(ع) غل و جامعه [جامعه، طوق مانندی است که دست‌ها و گردن را با آن به هم می‌بندند] نهادند و چون بیمار بود، و نمی‌توانست خود را بر پشت شتر نگاهدارد هر دو پای او را بر شکم شتر بستند.[۲۹]

بنابر برخی گزارش‌ها، امام سجاد(ع) در کوفه خطبه‌ای ایراد کرده است؛ ولی توجه به شرائط کوفه و سختگیری و بی‌رحمی مأموران حکومت و بیم کوفیان از آنان، پذیرفتن چنین گزارشی را دشوار می‌سازد. سخنان امام سجاد(ع) در خطبه کوفه، به خطبه او در مسجد دمشق بسیار شبیه است. از این رو احتمال می‌رود که با گذشت زمان راویان حادثه‌ها را با هم آمیخته باشند.[۳۰]

در هر حال، ابن زیاد، امام سجاد(ع) و سایر اسیران کربلا را در زندان نگاه داشت و نامه‌ای به شام نوشت و از یزید کسب تکلیف کرد. یزید پاسخ داد، اسیران و سرهای شهیدان کربلا را به شام بفرستد. ابن زیاد، امام سجاد(ع) را غل بر گردن نهاد و با اسیران همراه مُحَفّر بن ثَعلبه روانه دمشق کرد.[۳۱]

شام

امام سجاد(ع) در مسجد شام سخنانی فرمود و خود و پدر و جد خویش را به مردم شناساند و به شامیان گفت که آنچه یزید و کارگزاران او بر زبان‌ها انداخته‌اند درست نیست. پدر او خارجی نیست و نمی‌خواسته است جمعیت مسلمانان را بر هم بزند، و در بلاد اسلام فتنه برانگیزد. او برای حق و به دعوت مسلمانان به پاخاست تا دین را از بدعت‌هایی که در آن پدید شده بزداید و به سادگی و نزاهت عصر جدّ خود برساند.[۳۲]

بازگشت به مدینه

به نوشته شیخ مفید سرانجام خاندان امام حسین (ع) روز اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کرد.[۳۳] امام سجاد (ع) که تا ۳۴ سال پس از واقعه کربلا زنده ماند، همواره تلاش می‌کرد یاد و خاطره شهدای کربلا را زنده نگه دارد. امام هر گاه آب می‌نوشید به یاد پدر بود و بر مصایب امام حسین(ع) گریه می‌کرد و اشک می‌ریخت.

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است، «امام زین العابدین(ع) چهل سال بر پدر بزرگوارش گریه کرد، در حالی که روزها روزه بود و شب‌ها به نماز می‌ایستاد، هنگام افطار که غلام حضرت برای ایشان آب و غذا می‌برد، و عرض می‌کرد بفرمایید، حضرت می‌فرمود: فرزند رسول خدا گرسنه کشته شد! فرزند رسول خدا تشنه کشته شد! و پیوسته این سخن را تکرار می‌کرد و گریه می‌کرد به گونه‌ای که اشک‌های آن حضرت با آب و غذایش مخلوط می‌شد. پیوسته این گونه بود تا رحلت کرد.»[۳۴]

قیام‌های مهم معاصر امام

در دوران امام سجاد(ع) و پس از واقعه کربلا جنبش‌های مختلفی صورت گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:

واقعه حره

بعد از واقعه کربلا در سال ۶۳ق، مردم مدینه علیه امویان قیام کردند که این قیام حوادثی در پی داشت و به واقعه حَرّه شهرت یافت. مردم شهر با عبدالله بن حنظله -که پدرش حنظله به غسیل الملائکه معروف بود- بیعت کردند و بنی امیه را که شمار آنان به ۱۰۰۰ تن می‌رسید، نخست در خانه مروان بن حکم به محاصره افکندند، سپس از شهر بیرون راندند.[۳۵] امام سجاد(ع) از آغاز شورش خود را کنارکشید و با مردم همداستان نگشت، چون پایان کار را می‌دانست.[۳۶]

در روزهای پرگیرودار واقعه حره، مروان (از دشمنان اهل بیت(ع)) نزد عبدالله بن عمر رفت و از او خواست تا خانواده وی را نزد خود نگاه دارد، ولی عبدالله نپذیرفت. مروان چون از حمایت او ناامید شد پناه به امام سجاد(ع) برد. امام با بزرگواری خاص خود خواهش او را قبول فرمود و کسان مروان را همراه با زن و فرزند خود به ینبع (چشمه ساری نزدیک مدینه از جانب راست کوه رضوی) فرستاد.[۳۷]

امام در این حادثه، ۴۰۰ خانواده را در کفالت خود گرفت و تا وقتی که لشکر مسلم بن عقبه (فرمانده لشکر یزید در واقعه حره) در مدینه بود هزینه آنان را می‌پرداخت.[۳۸]

قیام توابین

نهضت توابین یکی دیگر از نهضتهای پس از واقعه کربلا بود که رهبری آن را سلیمان بن صرد خزاعی، به همراهی تنی چند از دیگر سرشناسان شیعه در کوفه بر عهده داشتند. توابین در مجموع بر آن بودند تا در صورت پیروزی، امامت جامعه را به اهل بیت(ع) بسپارند و طبعا از نسل فاطمه(ع)، کسی جز علی بن حسین(ع) برای این کار وجود نداشت. اما رابطه سیاسی خاصی بین امام سجاد(ع) و توابین وجود نداشته است.[۳۹]

قیام مختار

قیام مختار نیز سومین جنبش مهم پس از واقعه کربلا است که درباره ارتباط امام سجاد(ع) با این جنبش نیز ابهاماتی وجود دارد. این ارتباط نه تنها از زاویه نگرش سیاسی، بلکه از جنبه اعتقادی (پیروی مختار از محمد بن حنفیه)نیز مشکلاتی را در بردارد. گفته شده که مختار پس از آنکه موفق شد در کوفه شیعیانی را به سوی خود جذب کند، از امام سجاد(ع) استمداد جست، اما امام روی خوش نشان نداد.[۴۰]

فضائل و مناقب

عبادت

مالک بن انس می‌گوید: علی بن حسین در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند تا اینکه از دنیا رحلت کرد. لذا به ایشان «زین العابدین» می‌گویند.[۴۱]

ابن عبد ربّه می‌نویسد: هنگامی که علی بن حسین آماده نماز می‌شد، لرزه عجیبی وجودش را فرا می‌گرفت. از ایشان در این باره سؤال شد، فرمود: «وای بر شما! آیا می‌دانید که من در برابر چه کسی می‌خواهم بایستم و در برابر چه کسی می‌خواهم مناجات کنم؟!»[۴۲]

مالک بن انس می‌گوید: هنگامی که علی بن حسین احرام بست، لبیک اللّهمّ لبیک را قرائت کرد و در همان لحظه، بیهوش شده و از مرکب خود به زمین افتاد.[۴۳]

کمک به فقرا

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: علی بن حسین شبانه مقداری غذا بر دوش خود می‌گذاشت و در تاریکی شب به صورت مخفیانه به فقرا می‌رساند و می‌فرمود: «صدقهای که در تاریکی شب داده شود، غضب خداوند را خاموش می‌کند.»[۴۴]

محمد بن اسحاق می‌گوید: مردمی در مدینه زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند معاش آنها از کجا تأمین می‌شود؛ با درگذشت علی بن الحسین غذای شبانه آنان قطع شد.[۴۵]

امام سجاد(ع):

«حق خواهنده، دادن بدو بمقدار نیاز است. حق کسی که چیزی از او خواسته شده اینست که اگر داد، از او با سپاس و قدردانی از فضل او، پذیری. و اگر نداد عذر او را قبول کنی.»

شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۸۷.

شب هنگام انبان‌های نان را بر پشت خود برمی‌داشت و به خانه مستمندان می‌رفت و می‌گفت: صدقه پنهانی آتش غضب پروردگار را خاموش می‌کند. برداشتن این انبان‌ها بر پشت او اثر نهاده بود و چون به جوار پروردگار رفت به هنگام شست و شوی آن حضرت آن نشانه‌ها را بر پشت او دیدند[۴۶] ابن سعد نویسد: چون مستمندی نزد او می‌آمد، برمی‌خواست و حاجت او را روا می‌کرد و می‌گفت: صدقه پیش از آنکه به دست خواهنده برسد، به دست خدا می‌رسد.[۴۷]

سالی قصد حج کرد. خواهرش سکینه توشه‌ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت. چون به حره رسید، آن توشه را نزد او بردند. امام همه آن را میان مستمندان پخش فرمود.[۴۸]

علی بن الحسین(ع) پسر عموئی مستمند داشت. شب هنگام چنانکه وی او را نشناسد، نزدش می‌رفت و چند دینار بدو می‌بخشید. آن مرد می‌گفت: علی بن الحسین رعایت خویشاوندی را نمی‌کند، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می‌شنید و شکیبائی و بردباری می‌کرد و خود را بدان خویشاوند نمی‌شناساند. چون به دیدار خدا رفت آن احسان از آن مرد بریده شد و دانست که آن مرد نیکوکار علی بن الحسین بوده است پس بر سر مزار او رفت و گریه کرد.[۴۹]

ابونعیم نویسد: دو بار مال خود را با مستمندان قسمت کرد و گفت: خداوند بنده مؤمن گناهکار توبه‌کننده را دوست دارد[۵۰] و نویسد: مردم او را بخیل می‌دانستند و چون به جوار حق رفت دانستند که هزینه صد خانوار را عهده‌دار بوده است.[۵۱] چون گدائی نزد او می‌آمد، می‌گفت مرحبا به کسی که توشه مرا به آخرت می‌برد.[۵۲]

رفتار با بردگان

از تلاش‌های امام، که هم جنبه دینی داشت و هم جنبه سیاسی، توجه به بردگان بود؛ قشری که بخصوص از زمان خلیفه دوم(عمر بن خطاب) به بعد و مخصوصا در عصر امویان، مورد شدیدترین فشارهای اجتماعی بودند و از محروم‌ترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به‌شمار می‌رفتند.

امام سجاد(ع)، مانند امیرالمؤمنین علی(ع) که با برخورد اسلامی خویش بخشی از موالی عراق را به سمت خویش جذب کرد، کوشید تا حیثیت اجتماعی این قشر را بالا برد.

سید الاهل نوشته است: امام سجاد(ع)در حالی که نیازی به بردگان نداشت، آنها را می‌خرید. این خریدن تنها برای آزاد کردن آنها بود. بردگان که چنین نیتی از امام می‌دیدند، خود را در معرض او می‌نهادند تا امام آنها را بخرد. امام سجاد(ع) در هر زمان و موقعیتی به آزادی آنها می‌پرداخت، به طوری که در شهر مدینه عده زیادی، همچون یک لشکر از موالی آزاد شده، از زن و مرد، به چشم می‌خورد که همگی از موالی امام بودند.[۵۳]

آثار

امام سجاد(ع):

بارالها، چنان کن که از هیبت پدر و مادرم همانسان که از هیبت پادشاه خودکامه، بیمناک باشم و به آنان چون مادری مهربان نیکی کنم. و طاعت مرا نسبت به آنان و نیکویی مرا درباره ایشان در نظرم از خواب در چشم خسته شیرینتر کن و از آب خنک در کام تشنه گواراتر. چندان که خرسندی شان را بر خرسندی خود برتری دهم، و آرزوشان را بر آرزوی خود مقدم بدارم، و نیکویی آنان را، هرچند اندک، درباره خود بسیار شمارم، و نیکویی خود را در مورد آنان، هر چند بسیار، اندک انگارم.

صحیفه سجادیه، دعای ۲۴، ص ۱۵۲.

شیخ مفید می‌نویسد: علمایاهل سنت علوم بسیاری را از امام سجاد(ع) نقل کرده‌اند و پندها، دعاها، [احادیثی] در فضل قرآن، حلال و حرام، جنگ‌ها و روزها (تاریخ) از وی بجا مانده است که نزد علما مشهور است.[۵۴] گفتنی است از امام سجاد حدود سیصد حدیث در کتب اربعه شیعه آمده است.[۵۵]

همچنین کتابی با عنوان کتاب شناسی امام سجاد، صحیفه سجادیه و رساله حقوق توسط مجمع جهانی اهل بیت به چاپ رسیده است که کتب مرتبط با امام سجاد (ع) را معرفی نموده است.

صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه، مجموعه دعاهای امام سجاد(ع) و آینه‌ای است که تصویر اجتماع آن روز -به ویژه مدینه- را در آن می‌توان دید: بیزاری از کردار و گفتار زشت مردم آن روز و پناه بردن به خدا از آنچه می‌بیند و می‌شنود، و روشن نمودن راه درست در پرتو تربیت دین و قرآن و پاکیزه ساختن جانها از آلایش؛ گویی امام می‌خواهد تا آنجا که ممکن است، به زبان دعا مردم را از شیطان ببرد و به خدا پیوند دهد.[۵۶] صحیفه سجادیه توسط افراد مختلف به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

رساله حقوق

رساله حقوق، یکی از چند اثر منسوب به امام سجاد(ع) است. در این رساله ۵۱ حق (یا ۵۰ حق طبق برخی نسخه ها) شمارش شده است.[۵۷] این اثر را افراد مختلفی به فارسی برگردانیده‌اند و بارها به چاپ رسیده است.

برخی از حقهای شمارش شده در این رساله از این قرار است:

 حق خدا ، حق نفس، حق زبان، حق نماز، حق صدقه، حق معلم، حق رعیت، حق زن، حق مادر، حق فرزند، حق برادر، حق بنده، حق همنشین، حق همسایه، حق وام خواه، حق خصم بر تو، حق شاد کننده تو، حق بدکننده، حق اهل ذمه

دعای سحر مشهور به دعای ابوحمزه

این دعا را امام زین‌العابدین در سحرهای ماه رمضان می‌خواند و ابوحمزه ثمالی از آن حضرت نقل کرده است. این دعا دربردارنده مفاهیمی متعالی و تعابیری شیوا و فصیح است.

زیارت امین الله

زیارتنامه‌ای است که امام سجاد (ع) هنگام زیارت مزار حضرت علی (ع) خوانده است.[۵۸][۵۹]

یاران و شاگردان

 ابوحمزه ثُمالی: راوی، محدّث و مفسّر امامی قرن دوم که از اصحاب امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام کاظم(ع) بود.

 ابوخالد کابلی: ملقب به كنكر، از رجال شیعی سده اول قمری و از اصحاب امام سجاد(ع) و امام باقر (ع).

 اَبان بن تَغلِب: ادیب، قاری، فقیه، مفسّر و از محدّثان بنام امامیه که محضر امام سجاد (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) را درک کرد.

 جابر بن عبدالله انصاری: صحابی پیامبر اسلام(ص) است که در بسیاری از غزوه‌ها و سرایا شرکت کرد. جابر، راوی حدیث لوح است - که دربردارنده نام امامان شیعه از زبان پیامبر(ص) است. جابر را از اصحاب امام علی (ع) و ائمه تا امام باقر (ع) دانسته‌اند.

 سُلَیم بن قیس هلالی: از اصحاب خاصّ چهار امام نخست شیعه(ع) که محضر امام باقر(ع) را هم درک کرده است. او از قدیمی‌ترین علمای شیعه و بزرگان اصحاب ائمه(ع) و مورد وثوق آنان بوده و نزد ایشان از محبوبیت خاصّی برخوردار بوده است.

 حسن بن محمد بن حنفیه: از محدّثان قرن اول، فرزند محمد بن حنفیه و نواده علی بن ابیطالب (ع) است.

 سعید بن مسیب بن حزن قرشی مخزومی: از تابعین که او را از فقهای هفتگانه مدینه در زمان امام سجاد(ع) به شمار آورده‌اند.

 یحیی بن اُمّ طُوَیل

 سعید بن جُبَیر: مفسر و از تابعین و اصحاب امام سجاد(ع) است.

 محمد بن جُبَیر بن مُطعِم

سخنان بزرگان اهل سنت درباره وی

محمد بن مسلم زهری:

 نه هاشمی‌ای را برتر از او و نه کسی را فقیه‌تر از او دیدم.[۶۰]

شافعی:

 او فقیه‌ترین مردم مدینه بود.[۶۱]

جاحظ:

 کسی را ندیدم که در فضیلت او شک داشته باشد و یا در مقدم بودن او سخنی گوید.[۶۲]